

الگوی مدیریتی حضرت یوسف (ع) در قرآن کریم

نگارنده: عبدالحکیم وحیدی*

چکیده

هم‌نوایی سازوکارهای مدیریتی با شرایط، منابع و الگوهای محیطی، یک اصل محسوب می‌شود. پای‌بندی به این اصل در جامعه ما، نیازمند طرح مباحث تئوریک و نظری در باب الگوهای مدیریت اسلامی است. بخش زیادی از این آموزه‌ها با سیره عملی حضرت یوسف گره خورده است. اینک، این پرسش مطرح است که با در نظر داشت آیات قرآن کریم، روش‌های مدیریتی حضرت یوسف چه گونه بوده است؟ تحقیق کیفی حاضر، تلاش می‌کند با روش تحلیلی - توصیفی، به پرسش فوق پاسخ دهد. این تحقیق، بدان جهت اهمیت دارد، که به منظور بررسی روش‌های فرهنگی و اقتصادی مدیریت حضرت یوسف و باهدف ارائه مدل دینی و اسلامی مدیریت، برای نهادهای ملی، صورت می‌گیرد.

یافته‌های تحقیق نشان می‌دهند که: مدیریت فرهنگی - تربیتی حضرت یوسف، فرهنگ‌سازی، تربیت کارگزاران براساس بینش خدامحور، اخلاق‌مداری، سعه صدر، گذشت و مدارا بوده است. مدیریت اقتصادی حضرت یوسف، از طریق برنامه‌ریزی دقیق، سازمان‌دهی و کنترل مستقیم و غیر مستقیم بوده است.

واژه‌گان کلیدی: مدیریت، فرهنگ‌سازی، تربیت کارگزار، روش‌های

مدیریتی، حضرت یوسف.

مقدمه

پیامبران الهی، الگوی راستین برای انسان‌ها می‌باشند. در این میان، حضرت یوسف، که سال‌های زیادی مصروف فعالیت‌های مدیریتی بوده است، یکی از بارزترین الگوها به حساب می‌آید. شیوه‌های مدیریتی ایشان، می‌تواند مدیران جامعه امروز ما را به سوی مدیریت کارا و مؤثر رهنمون سازد. سازمان‌های مختلف در کشورهای اسلامی به دلیل استفاده از شیوه‌های مدیریتی بیگانه با انواع چالش، تضاد و ناکارآمدی مدیریتی مواجه می‌باشند. برای عبور از این وضعیت، لازم است که سازمان‌ها در جوامع اسلامی از سبک‌های بومی و اسلامی استفاده کنند. این امر نیازمند طرح مباحث نظری و تیوریک در زمینه مباحث مدیریت اسلامی است. تحقیق حاضر که باهدف تبیین مدیریت فرهنگی و اقتصادی حضرت یوسف ^{علیه السلام} در قرآن کریم، صورت می‌گیرد، از اهمیت بالایی برخوردار می‌باشد؛ اما این پرسش مطرح است که از منظر قرآن کریم، مدیریت فرهنگی و اقتصادی حضرت یوسف ^{علیه السلام}، چه گونه است؟ و چه الگوهایی را می‌توان از این مدل مدیریتی به عاریه گرفت؟

در این زمینه تحقیق‌هایی انجام شده است. به عنوان نمونه می‌توان از پایان‌نامه معصومه تیری خطیر یاد نمود، که تحت عنوان «شیوه‌های مدیریت حضرت یوسف ^{علیه السلام} از منظر قرآن کریم» در دانش کده الهیات دانش گاه قم، دفاع شده است. وی در این نوشته بیش‌تر در باب جهاد اقتصادی حضرت یوسف سخن گفته است (تیری خطیر؛ ۱۳۹۲: ۷۸). نوشته دیگر از زهرا سادات موسوی و سید علی میر آفتاب است، که تحت عنوان «اصول مدیریت فرهنگی با تکیه بر سیره مدیریتی یوسف ^(ع) از منظر آیات قرآن کریم»، در مجله مطالعات اسلامی به نشر رسیده است. در این نوشته اصل‌های «مسئولیت‌پذیری»، «تعهد و تخصص در انجام کار»، «خلاقیات»، «تغافل»، «قانون‌مداری» و «بخشش و گذشت» به بحث گرفته شده است (موسوی و میرآفتاب؛ ۱۳۹۹: ۳۵-۲۲). «تمدن‌سازی انبیای الهی؛ مدیریت اقتصادی و عدالت اجتماعی با تأکید بر حکومت حضرت یوسف» نوشته‌یی است از زهرا سلیمانی و اصغر منتظرالقائم، که در فصل‌نامه معرفت ادیان منتشر شده است. نویسنده‌گان در این مقاله روی امنیت روانی و چالش‌سنجی تمرکز نموده اند (سلیمانی و منتظرالقائم؛ ۱۳۹۳: ۷). «شیوه‌های مدیریت یوسف در قرآن کریم»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته قرآن و مدیریت از علی آقا صفری است، که در جامعه المصطفی ^(ص) العالمیه قم دفاع شده است. در این نوشته از توان پیش‌بینی و تدابیر پیش‌گیرانه حضرت یوسف سخن گفته شده است (صفری؛ ۱۳۸۲: ۵۵).

نوشته‌های فوق، هرچند هر کدام، به گوشه‌هایی از روش مدیریتی حضرت یوسف پرداخته‌اند؛ اما تبیین ابعاد مدیریتی آن حضرت و ارائه الگوی مدیریتی وی با در نظر داشت آیات قرآن کریم، هنوز جای کار داشته و طرح این موضوع با روش گراند تیوری، جنبه نوآورانه تحقیق به حساب می‌آید.

تحقیق حاضر با روش گراند تیوری (داده‌بنیاد)، تلاش می‌کند به حل مسأله پرداخته و با تبیین ابعاد مدیریتی حضرت یوسف، به پرسش‌های تحقیق پاسخ بگوید. در این روش، ضمن تعیین موضوع و گردآوری داده‌ها، گدگذاری باز، گدگذاری محوری و گدگذاری انتخابی انجام می‌شود و در نهایت نمای شماتیک از مجموع طبقه‌بندی داده‌ها استخراج شده، ارائه مدل صورت می‌گیرد.

ابعاد مدیریت یوسف

در این نوشته، ابتدا ابعاد مدیریتی حضرت یوسف در قالب مدیریت فرهنگی - تربیتی، براساس داده‌های تفسیر موضوعی انجام می‌شود و سپس ابعاد مدیریت اقتصادی آن حضرت به بحث گذاشته خواهد شد.

۱. مدیریت فرهنگی - تربیتی یوسف^{علیه السلام}

۱-۱. خدامحوری (بینش توحیدی)

قرآن کریم همه برکات وجودی حضرت یوسف^(ع) را بر اثر خدامحوری و بینش توحیدی وی می‌داند؛ زیرا معرفت توحیدی، مبدأ اصلی همه کمالات و معارف است. آن حضرت در همه حالات، حتا وقتی به زندان می‌افتد، با زندانیان و در پاسخ سؤال‌های شان سخن از توحید به میان می‌آورد؛ چنان که قرآن می‌فرماید: «یا صاحبی السجن أأرباب متفرقون خیراًم الله الواحد القهار / ای دوستان هم‌راهان زندانی من! آیا خدایان پراکنده به‌ترند یا خداوند یکتای پیروز» (یوسف: ۳۹). جوادی آملی، ذیل این آیه شریفه چنین می‌فرماید: «اصولاً انسانی که راه توحید را طی نکرده و در همان نشئه طبیعت مانده است، گرفتار کثرت بوده، سنگینی‌اش به عالم طبیعت است. هرچه انسان به عالم طبیعت نزدیک‌تر باشد، شناخت او شناخت حسی خواهد بود و حد اکثر ترقی علمی وی آن است که از مرحله حس به مرحله خیال و وهم برسد، وگرنه در مرحله عقل، راهی برای انسان طبیعت‌گرا نیست (جوادی آملی؛ ۱۳۹۰: ۱۹).

حضرت یوسف^(ع) از شرایط به‌وجودآمده، به‌ترین استفاده را نمود و هردو رفیق زندانی خود را به توحید و خدامحوری تبلیغ نمود و بیان داشت، که آیا خدای واحد به‌تر است یا خدای متفرق ساخته‌گی که کاری از او بر نمی‌آید؟ معلوم است که تنها خدای قادر و توانای علی‌الاطلاق کارساز است. در تفسیر نمونه، ذیل آیه شریفه چنین آمده است: هنگامی که یوسف^(ع) با ذکر بحث گذشته، دل‌های آن دو زندانی را آماده پذیرش حقیقت توحید کرد و به‌سوی آن رهنمون ساخت، چنین گفت: (ای هم زندان‌های من! آیا خدایان پراکنده و معبودهای متفرق به‌ترند یا خداوند یگانه یکتای قهار و

مسلط برهرچیز) گویی یوسف می‌خواهد به آن‌ها حالی کند، چرا شما آزادی را در خواب می‌بینید؟ آیا جز این است که این پراکنده‌گی و تفرقه و نفاق شما، که از شرک و بُت‌پرستی و ارباب متفرقون سرچشمه می‌گیرد، سبب شده که طاغوت‌های ستم‌گر بر شما غلبه کنند؟ چرا شما زیر پرچم توحید جمع نمی‌شوید و به دامن پرستش «الله واحد قهار» دست نمی‌زنید؟ تا بتوانید این خودکامه‌گان ستم‌گر که شما را بی‌گناه و به‌مجرد اتهام به زندان می‌افکنند از جامعه خود برانید؟ (مکارم شیرازی؛ ۱۳۶۸: ۴۸۴).

۲-۱. هدایت و رهبری

الف) راه‌نمایی

یکی از ویژه‌گی‌های رهبر و مدیر خوب این است، که در هم‌واره و به‌خصوص در شرایط حساس، دل‌سوز و به فکر زیردستان خود باشد.

زمانی که فرستاده پادشاه مصر به زندان آمد و در مورد خواب پادشاه از حضرت یوسف (ع) درخواست تعبیر و تفسیر نمود، حضرت یوسف (ع) بدون گذاشتن قید و شرطی خواب پادشاه مصر را تعبیر کرد، تعبیری گویا و خالی از هرگونه پرده‌پوشی. تعبیری توأم با راه‌نمایی و برنامه‌ریزی دل‌سوزانه و خیرخواهانه برای آینده سخت و مشکلی که مردم مصر در پیش رو داشتند. یوسف (ع) در چنین شرایط بحرانی و حساس یک تصمیم دل‌سوزانه و قابل اجرا گرفته، به راه‌نمایی مردم پرداخت و چنین فرمود: هفت سال پی‌درپی باید با جدیت زراعت کنید، چراکه در این هفت سال، بارنده‌گی فراوان است، ولی آن‌چه را درو می‌کنید به‌صورت همان خوشه در انبارها ذخیره کنید، جز به مقدار کم و جیره‌بندی که برای خوردن نیاز دارید، اما بدانید که بعد از این هفت سال، هفت سال خشک، کم‌باران و سخت در پیش دارید، که تنها از آن‌چه در سال‌های قبل ذخیره کرده‌اید استفاده کنید، وگرنه هلاک خواهید شد، در عین حال مواظب باشید در این هفت سال قحطی، نباید تمام موجودی انبارها را صرف تغذیه کنید؛ بل که آینده‌نگر باشید و مقداری را برای بذر زراعت سال بعد، که سال خوبی خواهد بود نگه‌داری نمایید. چنان که قرآن کریم می‌فرماید:

قَالَ تَزْرَعُونَ سَبْعَ سِنِينَ دَابًّا فَمَا حَصَدْتُمْ فَذَرُوهُ فِي سَبِيلِهِ إِلَّا قَلِيلًا مِّمَّا تَأْكُلُونَ ثُمَّ يَأْتِي مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ سَبْعٌ شِدَادٌ يَأْكُلْنَ مَا قَدَّمْتُمْ لَهُنَّ إِلَّا قَلِيلًا مِّمَّا تَحْصِدُونَ ثُمَّ يَأْتِي مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ عَامٌ فِيهِ يُغَاثُ النَّاسُ وَفِيهِ يَعَصِرُونَ / گفت: هفت سال با جدیت زراعت می‌کنید؛ و آن‌چه را درو کردید، جز کمی که می‌خورید، در خوشه‌های خود باقی بگذارید (و ذخیره نمایید). پس از آن، هفت سال سخت (و خشکی و قحطی) می‌آید، که آن‌چه را برای آن سال‌ها ذخیره کرده‌اید، می‌خورند؛ جز کمی که (برای بذر) ذخیره خواهید کرد. سپس سالی فرامی‌رسد که باران فراوان نصیب مردم می‌شود؛ و در آن

سال، مردم عصاره (میوه‌ها و دانه‌های روغنی را) می‌گیرند (و سال پر برکتی است) (یوسف: ۴۹-۴۷).

ب) سعه صدر

سعه، در لغت به معنی وسعت، گشاده‌گی، طاقت و توانایی آمده است (طریحی؛ ۱۳۷۵: ۴۰۴). اصطلاح دیگری که در این مورد به کار برده می‌شود، کلمه صدر است، که به معنی گشاده‌گی سینه می‌باشد. شرح صدر، نه تنها یکی از ارزش‌های والای اسلامی است؛ که ابزاری برای مدیریت است. راهی برای رسیدن به قله‌های موفقیت است. حضرت امیرالمؤمنین علی (ع) در مورد سعه صدر می‌فرماید:

اللة الریاسة سعة الصدر / سعه صدر ابزار و وسیله ریاست است (مجلسی؛ ۱۴۰۳: ۳۵۷).
شرح صدر، سیره انبیای الهی و رهبران راستین بوده است. حضرت موسی (ع) از خداوند درخواست شرح صدر می‌نماید؛ قرآن کریم می‌فرماید: «قَالَ رَبِّ اشْرَحْ لِي صَدْرِي وَيَسِّرْ لِي أَمْرِي / موسی (ع) گفت: پروردگارا، سینه‌ام را برایم بگشا، و کارم را برایم آسان گردان (طه: ۲۶-۲۵).
قرآن کریم راجع به پیام‌بر مکرم اسلام (ص) می‌فرماید: «أَلَمْ نَشْرَحْ لَكَ صَدْرَكَ وَوَضَعْنَا عَنكَ وَزْرَكَ / آیا سینه‌ات را برایت گشاده نساختیم، و بار سنگین (مشکلات) تو را از تو فرو نهادیم» (انشراح: ۱-۲). از نظر قرآن کریم، شرح صدر، موجب هدایت به سوی اسلام و تنگی سینه عامل گم‌راهی انسان شمرده شده است (انعام: ۱۲۵).

در داستان حضرت یوسف (ع) نیز این مسأله به صورت روشن نمایان است. یکی از ویژه‌گی‌های آن حضرت سعه صدر است. سعه صدر یوسف (ع)، آن قدر زیاد بود، که از خیانت و جنایت بزرگی که از جانب برادرانش بر او روا داشته شد، درگذشت. نه تنها گذشت کرده و انتقام نگرفت؛ بل که آن‌ها را دل‌داری داده، فرمود: امروز بر شما ملامتی نیست. «قَالَ لَاتَثْرِيبَ عَلَيْكُمُ الْيَوْمَ يَغْفِرُ اللَّهُ لَكُمْ وَهُوَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ» (یوسف: ۹۲). برادران یوسف (ع) هم تصمیم بر قتل و کشتن یوسف (ع) گرفتند و او را به داخل چاه انداختند و هم تهمت بزرگ و نامردانه سرقت و دزدی به او زدند: «قَالُوا إِنْ يَسْرِقْ فَقَدْ سَرَقَ أَخٌ لَهُ مِنْ قَبْلُ فَأَسْرَهَا يُوسُفُ فَ نَفْسِهِ وَلَمْ يُبْدِهَا لَهُمْ قَالَ أَنْتُمْ شَرُّ مَكَانًا وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا تَصِفُونَ» (یوسف: ۷۷)؛ اما زمانی که یوسف (ع) را شناختند، سر افکنده شدند؛ اما یوسف با سعه صدری که داشت به آن‌ها دل‌داری داد. کسی که شرح صدر داشته باشد، دیگر برایش فرقی نمی‌کند که یک حاکم قدرت‌مند باشد یا یک زندانی دربند؛ آن‌چه که برایش مهم است رضایت پروردگار است. هر جا که رضایت پروردگار باشد، سعی و تلاش می‌کند آن را به دست آورد؛ ولو زندان باشد آن را دوست دارد: «قَالَ رَبِّ السَّجْنُ أَحَبُّ إِلَيَّ مِمَّا يَدْعُونَنِي إِلَيْهِ / یوسف (ع) گفت: پروردگارا، زندان نزد من محبوب‌تر است

از آن چه (زنان) مرا به سوی آن می خوانند» (یوسف: ۳۳). آری، کسی که سینه اش پُر از نور علم و حکمت باشد، کانون صبر و بُرداری است. خشمش هم فقط برای آن است که دین خدا احیا شده و مردم به سوی خداوند هدایت گردند، نه برای مسائل شخصی.

بنابراین، یکی از ویژگی های رهبر و مدیر موفق و تأثیرگذار، شرح صدر است. شکیبایی و بُرداری از عوامل مؤثر در پیش برد برنامه ها است. یوسف، با برخورداری از این ویژگی روحی در مدیریت امور، موفق گردید.

ج) حُسن خلق

حسن خلق، یکی دیگر از اصول اخلاقی و صفات برجسته انسانی و اسلامی است. حسن خلق، یکی از بُنده ترین سلاح ها برای تسخیر دل های دیگران است. حسن خلق، یکی از ابزارهای لازم و ضروری رهبری و مدیریت یک جامعه و سازمان است. با حسن خلق، به راحتی می توان بر دل های دیگران نفوذ کرد.

یکی از سیره های عملی انبیای عظام و رهبران راستین الهی، حسن خلق بوده است. پیامبر اکرم (ص) نمونه برجسته ای از رهبران الهی است، که با داشتن حسن خلق و رفتار کریمانه، بر دل های انسان ها حکومت می کرد. نفوذ آن حضرت بر دل های مردم، به خاطر رفتار پسندیده و اخلاق نیک آن حضرت بود؛ چنان که قرآن کریم می فرماید: «وَإِنَّكَ لَعَلَىٰ خُلُقٍ عَظِيمٍ / و مسلماً تو بر شیوه (اخلاق) بزرگوارانه یی هستی» (قلم: ۴). در جای دیگر چنین می فرماید: «فَبِمَا رَحْمَةٍ مِّنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِظَ الْقَلْبُ لَانفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ / و به سبب رحمتی از جانب خدا با آنان، نرم خو شدی، و اگر (برفرض) تندخویی سخت دل بودی، حتماً از پیرامونت پراکنده می شدند» (آل عمران: ۱۵۹).

می بینیم که در این آیه شریفه، نرم خویی و اخلاق نیک پیامبر، یکی از عوامل گرویدن مردم به دین مبین اسلام بیان شده است؛ چنان که اگر پیامبر اکرم (ص) غلیظ القلب و تندخو می بود، مردم از اطرافش پراکنده می شدند.

با اندک تأملی در داستان حضرت یوسف (ع)، می توان فهمید که رفتار کریمانه و اخلاق نیک آن حضرت، از عوامل مهم و مؤثر نفوذ ایشان بر دیگران بوده است. درواقع، یکی از شیوه های رهبری و مدیریت یوسف (ع) که سبب جذب و علاقه دیگران نسبت به وی شد، حسن خلق آن حضرت بود. از طریق حسن خلق، بر اطرافیان و دوستانش نفوذ کرد، به گونه یی که دوستانش می گفتند: ما تو را از نیکان می بینیم: «إِنَّا نَرَاكَ مِنَ الْمُحْسِنِينَ / ما تو را از نیکوکاران می بینیم» (یوسف: ۳۶ و ۷۸). مرحوم علامه طباطبایی می فرماید: که برای در این آیه، به معنی یقین است (به نقل از: موسوی همدانی؛ ۱۳۶۴: ۲۳۳).

بنابراین، می‌توان گفت که حسن خلق، یکی دیگر از شیوه‌های رهبری و مدیریت یوسف (ع) برای هدایت و اداره جامعه بوده است. ایشان، از همین طریق بر انسان‌هایی که هیچ‌گونه شناخت پیشینی از آنان نداشت، نفوذ کند و دل‌های آنان را به‌دست آورد. آنان را به‌سوی هدف سازمانی خویش هدایت نماید.

درواقع، رفتار یک مدیر باید به‌گونه‌یی باشد که اعتماد دیگران را به دست آورد؛ طوری که دیگران به خود جرئت دهند که با مدیر، ارتباط صمیمانه برقرار نموده و مسائل مورد نیاز را با وی در میان بگذارند. اگر یک مدیر اخلاق ناپسند و تند داشته باشد، دیگران در برقراری ارتباط و اظهار نظر در مورد مسائل پیش‌آمده در سازمان و جامعه، با او مشکل خواهند داشت.

د) گذشت

یکی از ویژه‌گی‌های مهم انسانی، مخصوصاً مدیران جامعه، گذشت در عین توانایی بر انتقام است. حضرت یوسف (ع) از این ویژه‌گی در حد اعلی برخوردار بود. برادران یوسف (ع)، معامله نادرست و ظالمانه‌یی با او کردند. زمانی که یوسف را شناختند، شاید انتظار انتقام‌گیری را داشتند؛ اما یوسف (ع)، به‌عنوان عزیز مصر، در اوج قدرت، رفتار کریمانه و نکوکارانه را به نمایش گذاشت. تهمت سرقت و دزدی را از جانب برادران به خود و بنیامین در دل خود پنهان کرد. چنان‌که قرآن کریم این‌گونه بیان می‌فرماید: «قَالُوا إِن يَسْرِقْ فَقَدْ سَرَقَ أَخٌ لَهُ مِنْ قَبْلُ فَأَسْرَهَا يَوْسُفُ فَ نَفْسِهِ وَ لَمْ يُبْدِهَا لَهُمْ قَالَ أَنْتُمْ شَرُّ مَكَانٍ وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا تَصِفُونَ» (یوسف: ۷۷). گذشت، از سیره اولیاء الهی است. وقتی برادران یوسف (ع) پشیمان و خجالت‌زده شدند، یوسف (ع) فرمود: امروز بر شما ملامتی نیست، به تعبیر قرآن کریم: «قَالَ لَا تَنْتَرِبَ عَلَيْكُمُ الْيَوْمَ يَغْفِرُ اللَّهُ لَكُمْ وَ هُوَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ» (یوسف: ۹۲). امروز، بر شما توبیخ و ملامتی نیست، خداوند شما را می‌بخشد و او مهربان‌ترین مهربانان است.

یوسف، به تعبیر برخی نویسنده‌گان، حتا در اوج قدرتش، نیکوکار و بزرگووار بود (سیدی یساروی؛ ۱۳۸۶: ۱۴۶). مکارم شیرازی در این مورد چنین می‌نویسد: برادران یوسف، سخت‌ترین ضربه‌ها را به یوسف (ع) زده بودند، و او را تا آستانه مرگ پیش بردند، که اگر لطف خدا شامل حال او نشده بود، رهایی برای او ممکن نبود، نه تنها یوسف (ع) را آزار دادند؛ که پدرش را نیز سخت شکنجه دادند؛ اما اکنون همه‌گی زار و نزار در برابر او قرار گرفته‌اند و تمام قدرت در دست او است، ولی از لابه‌لای کلام یوسف (ع) به‌خوبی احساس می‌شود، که او نه‌تنها هیچ‌گونه کینه‌یی در دل نگرفته، بل که این موضوع او را رنج می‌دهد، که نکند برادران به یاد گذشته بیفتند و ناراحت شوند و احساس شرمندگی کنند! به همین دلیل نهایت کوشش را به خرج می‌دهد، که این احساس را از درون جان آن‌ها بیرون براند و حتا از این بالاتر، می‌خواهد به آن‌ها حالی کند که آمدن شما به مصر از این نظر که وسیله شناسایی

بیش تر من در این سرزمین و این که از خاندان رسالتم، نه یک غلام کنعانی که به چند درهم فروخته شده باشم برای من مایه فخر و مباهات است، او می خواهد آن ها چنین احساس کنند، که نه تنها بده کار نیستند؛ بل که چیزی هم طلب کارند! (مکارم شیرازی؛ ۱۳۶۸: ۶۶).

سیره انبیای الهی، بر عفو و گذشت است، چنان که حضرت رسول اکرم (ص) همیشه باگذشت و مهربان بود؛ در شرایط مشابه با حضرت یوسف (ع)، در جریان فتح مکه، بر دشمنان قسم خورده خود پیروز شد؛ ولی آن ها را عفو کرد؛ درحالی که دشمنان، به مکه پناه برده بودند و نگران بودند، که پیامبر آن چه دستور سخت و کشنده یی صادر کند.

در تفسیر قرطبی در مورد برخورد کریمانه رسول اکرم (ص) با قریشبان، در روز فتح مکه چنین آمده است: پیامبر (ص) فرمود: الحمد لله الذی صدق وعده و نصر عبده و هزم الاحزاب وحده / شکر خدای را که وعده اش تحقق یافت و بنده اش را پیروز کرد و احزاب و گروه های دشمن را منهزم ساخت؛ سپس رو به مردم کرد و فرمود: ماذا تظنون يامعشرالقریش قالوا خيراً، اخُ کریم، و ابن اخ کریم و قد قدرت! و قال انا اقول كما قال آخى يوسف لاثريب عليكم اليوم! / چه گمان می برید ای جمعیت قریش، که درباره شما فرمان بدهم؟ آن ها در جواب گفتند: ما از تو جز خیر و نیکی انتظار نداریم، تو برادر بزرگوار و بخشنده و فرزند برادر بزرگوار ما هستی، و الان قدرت در دست توست، پیامبر فرمود: و من درباره شما همان می گویم که برادرم یوسف درباره برادرانش به هنگام پیروزی گفت: لاثريب عليكم اليوم / امروز روز سرزنش و ملامت و توبیخ نیست! عمر می گوید: در این موقع عرق شرم از صورت من جاری شد، چرا که من به هنگام ورود به مکه به آن ها گفتم امروز روزی است که از شما انتقام خواهیم گرفت، هنگامی که پیامبر (ص) این جمله را فرمود، من از گفتار خود شرمند شدم (قرطبی؛ ۱۳۸۲: ۳۴۶۷).

این مسأله در روایات اسلامی نیز مورد تأیید قرار گرفته است؛ چنان که علی (ع) فرمود: «إذا قدرت علی عدوک فاجعل العفو عنه شكراً للقدرة علیه / هنگامی که بر دشمنان پیروز شوی، عفو را شکرانه پیروزی قرار ده» (دشتی؛ ۱۳۸۷: ۴۴۵).

۲. مدیریت اقتصادی حضرت یوسف

مدیریت اقتصادی حضرت یوسف، ابعاد گوناگونی داشته است، که در ذیل به موارد مهم آن اشاره می شود.

۲-۱. برنامه ریزی

حضرت یوسف (ع) در شیوه مدیریتی خویش به مسأله برنامه ریزی مالی و تقسیم وظایف در مشاغل سازمانی، توجه جدی به رعایت عدالت اجتماعی، توزیع عادلانه و صرفه جویی در هزینه ها

برای برون رفت از بحران اقتصادی، به منظور دسترسی به بالاترین بازدهی داشت. ایشان، طرح منحصربه فردی را در جهت ارتقای ساختار اداری و سازمانی ارائه نمود، که در آن توجه اساسی به برنامه ریزی راهبردی، مالی، دارایی و تولید داشت، که برخی از ویژگی های آن عبارت اند از:

الف) تصمیم گیری در شرایط عدم اطمینان

یکی از وظایف مهم و اساسی مدیران، اداره جامعه و سازمان در شرایط حاد و بحرانی است. برای برون رفت از بحران، مدیران باید به تجزیه و تحلیل درست مسأله و مشکل بپردازند و نقطه های قوت و ضعف وضعیت موجود را بررسی و برای رسیدن به وضعیت مطلوب، برنامه ریزی دقیق و به موقع داشته و اقدامات لازم را انجام دهند.

حضرت یوسف^(ع) با شناخت درست و درک به موقع مسأله و بررسی نقاط قوت و ضعف وضعیت موجود و ابزار و وسایل در دسترس، با توجه به فرصت ها و تهدیدها، دستورالعمل راهگشایی را صادر کردند «تَزَرَّعُونَ سَبْعَ سِنِينَ...» (یوسف: ۴۷).

یوسف، برای برون رفت از وضعیتی که در انتظار مردم مصر بود، بهترین برنامه و مناسب ترین راه کار عملی را اتخاذ کرد. ایشان به عنوان مدیر توانمند، باشناسایی دقیق فرصت ها و تهدیدها، به مقابله با حوادث طبیعی، قحطی و خشک سالی که بحران جدی اقتصادی برای دولت مردان و ملت مصر بود، پرداخت و با برنامه ریزی دقیق و سنجیده مالی خویش، این بحران را کنترل و مدیریت کرد.

ب) برنامه ریزی تولیدی

یکی از الزامات سازمان، برخورداری از برنامه ریزی تولیدی است. در این برنامه ریزی، مدیران از زمان حال شروع و به سوی زمان آینده حرکت می کنند؛ به عبارت دیگر، در برنامه ریزی تولیدی حرکت رو به برون است و می کوشند در شرایط مختلف، کشف کنند، که کدام حادثه در آینده رخ می دهد (منطقی؛ ۱۳۹۰: ۶۱).

زمانی که بحران در پیش است، بایستی بر ظرفیت تولید کار افزود و این امر، در برنامه ریزی حضرت یوسف^(ع) به وضوح نمایان است؛ زیرا دستور داد، که هفت سال پی در پی به طور مستمر کشت و زرع کنید «تَزَرَّعُونَ سَبْعَ سِنِينَ دَابًّا» (یوسف: ۴۷). آن هم با جد و تلاش فراوان، این برنامه ریزی حضرت یوسف^(ع) بیان گر برنامه ریزی تولیدی با توجه به ظرفیت و فرصت موجود برای نجات از بحران اقتصادی و رسیدن به موقعیت مطلوب است. این برنامه ریزی مالی در زمانی طرح و عملیاتی شد، که جوامع آن عصر بدون توجه به فرایند کار، فقط مصرف کننده بودند. در چنین وضعیتی، حضرت یوسف^(ع) با آینده نگری، برنامه ریزی را طرح و عملیاتی کرد، که هم توجه به تولید داشت و

هم ذخیره سازی و صرفه جویی را یک ضرورت اجتناب ناپذیر برای نجات از بحران اقتصادی آتی می دانست؛ لذا فرمود: «فَمَا حَصَدْتُمْ فَذَرُوهُ فِي سُنْبُلِهِ إِلَّا قَلِيلًا مِّمَّا تَأْكُلُونَ» (یوسف: ۴۸).

ج) کارایی

در فرایند برنامه ریزی مالی، مدیر اثربخش و کارآمد، به مسأله صرفه جویی و مصرف بهینه منابع توجه دارد؛ زیرا یکی از دغدغه های جدی و اساسی مدیران در امر برنامه ریزی مالی این است که با کمترین هزینه و در زودترین زمان ممکن، بیشترین بازدهی، سودآوری و کارایی را داشته باشند. از این طریق به دنبال خودکفایی و تأمین نیازهای آینده سازمان خود هستند.

در مدیریت حضرت یوسف ^(ع)، این مهم به روشنی دیده می شود. در آن هفت سالی که فرصت بود از تمامی ظرفیت های موجود نیروی انسانی و زمین های مستعد کشاورزی حداکثر استفاده را کرد و برای مقابله با تهدیدها، دستور کشت و کار داد: «فَذَرُوهُ فِي سُنْبُلِهِ إِلَّا قَلِيلًا مِّمَّا تَأْكُلُونَ» (یوسف: ۴۸). در آن هفت سال خشک سالی و قحطی که زمان تهدیدها بود، با صرفه جویی محصولات را به طور عادلانه توزیع کرد؛ به این نحو، جامعه را از بحران نجات داد. وی دستور داد که برای بذر سال بعد از قحطی هم مقداری باقی بگذارید «ثُمَّ يَأْتِي مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ عَامٌ فِيهِ يُغَاثُ النَّاسُ وَفِيهِ يَعْصِرُونَ» (یوسف: ۴۹). یکی از نویسندگان در این مورد آورده است: باقی گذاشتن مقداری از ذخیره های هفت سال و مصرف نکردن همه آن ها در دوران قحطی، توصیه یوسف ^(ع) به عهده داران حکومت مصر بود (هاشمی رفسنجانی؛ ۱۳۸۷: ۴۳۳).

د) هدف گذاری

تحول و تغییر، یکی از پدیده های عادی در جامعه است. این امر. روند پیوسته و طولانی دارد. هدف گذاری و آینده نگری درواقع پاسخی خردمندانه و حکیمانه به چالش های پدید آمده در پی دیگرگونی هاست (منطقی؛ ۱۳۹۰: ۵۹).

امیرالمؤمنین علی ^(ع) می فرماید: داناترین مردم کسی است، که بیش تر از همه به آینده نگری بپردازد (آمدی؛ ۱۳۷۹: ۴۱۱).

مدیر متخصص، خلاق و نوآور، تأثیر فزاینده یی در آینده نگری زیرمجموعه خویش دارد. وی، برای استفاده بهینه از فرصت ها، توجه به تمامی ظرفیت های منابع مالی، نیروی انسانی و ... را یک ضرورت اجتناب ناپذیر می داند.

حضرت یوسف ^(ع) با مدیریت اثربخش خود و با داشتن ویژه گی ها و شیوه های منحصربه فرد خویش در حوزه های مختلف، برنامه ذخیره سازی و جیره بندی را برای عبور از بحران اقتصادی

هفت ساله، عملیاتی نماید «فَذَرُوهُ فِي سُنْبُلِهِ إِلَّا قَلِيلًا مِّمَّا تَأْكُلُونَ» (یوسف: ۴۸). از این طریق، تأثیر بسیار شگرف در جذب دل‌ها داشت، و درواقع با این برنامه‌ریزی عالی و دقیق، و آینده‌نگری به‌موقع نظر انسان‌ها را متوجه تصمیمات خود ساخت و جامعه مصر را از بحران اقتصادی رهایی بخشید.

ه) گزینش به‌ترین راه‌کار

بحرانی که مردم مصر با آن مواجه بود، وحشت‌ناک بود. برای مقابله و مدیریت آن باید تدابیر دقیق و برنامه‌های عملی و کاربردی به اجرا درمی‌آمد، نیاز به طرحی بود که قابل پیاده‌کردن و عملی شدن، باشد. برای مدیریت بحران قحطی هفت‌ساله و گرسنه‌گی که در انتظار مردم بود، به‌ترین شیوه، برای امنیت غذایی که در آن زمان سیلو و امکانات نگهداری غله نبود، شیوه نگهداری گندم در خوشه بود؛ لذا حضرت یوسف (ع) دستور داد که باید گندم‌ها در خوشه نگهداری شود «قَالَ تَزْرَعُونَ سَبْعَ سِنِينَ دَأْبًا فَمَا حَصَدْتُمْ فَذَرُوهُ فِي سُنْبُلِهِ إِلَّا قَلِيلًا مِّمَّا تَأْكُلُونَ» (یوسف: ۴۷).

و) آینده‌نگری

یک مدیر برای مقابله با بحران و رفاه مردم باید برنامه‌های سنجیده‌شده و کنترل دخیل‌وخرج، حتا بر اموال خصوصی آنان از طریق برنامه‌ریزی‌های کوتاه‌مدت و بلندمدت داشته باشد. قرآن چنین می‌فرماید: «ثُمَّ يَأْتِي مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ سَبْعُ شِدَادٍ يَأْكُلْنَ مَا قَدَّمْتُمْ لَهُنَّ إِلَّا قَلِيلًا مِّمَّا تَحْصِدُونَ» (یوسف: ۴۸). واقعیت این است که صرفه‌جویی امروز، خودکفایی فردا را به همراه دارد و اسراف امروز، نیازمندی فردا را به دنبال دارد. سیدی در این زمینه این‌گونه می‌نویسد: «آینده‌نگری و برنامه‌ریزی بلندمدت برای مقابله با مشکلات اقتصادی جامعه، لازمه مدیریت کشور و کنترل حکومت بر روند تولید و توزیع در شرایط بحرانی، ضروری است» (سیدی ساروی؛ ۱۳۸۶: ۱۱۵).

۲-۲. سازمان‌دهی؛ انتخاب کارگزاران شایسته

یکی از اصول مهم مدیریت، گزینش نیروی انسانی شایسته، متخصص و متعهد است. سپردن کار به کاردان و کارشناس خبره، تأثیر مستقیم بر راندمان مثبت کار دارد. یکی از وظایف مهم مدیر انتخاب کارگزاران شایسته است. چنان‌که در داستان تعبیر خواب از جانب حضرت یوسف (ع) این امر معلوم بود. یوسف کارشناس خبره بود، خواب را درست تعبیر نمود؛ اما دیگران که در این مسأله خبره نبودند گفتند: این یک خواب آشفته و پریشان است «قَالُوا أَضْغَاثُ أَحْلَامٍ وَ مَا نَحْنُ بِتَأْوِيلِ الْأَحْلَامِ بِعِلْمٍ / (اشراف) گفتند [این‌ها] یک دسته خواب‌های پریشان است، و ما از تعبیر (این‌گونه) خواب‌ها آگاه نیستیم» (یوسف: ۴۴).

حضرت یوسف^(ع) نامزدی خود را برای پذیرش مسؤولیت خزانه‌داری مصر بدون دلیل و داشتن تخصص و تعهد مطرح نکرد. وی اظهار داشت: مرا در رأس خزانه‌داری این سرزمین قرارداد؛ چرا که من هم حافظ و نگه‌دار خوبی هستم و هم به اسرار این کار واقفم. «قَالَ اجْعَلْنِي عَلَى خَزَائِنِ الْأَرْضِ إِنِّي حَفِيظٌ عَلِيمٌ» (یوسف: ۵۵).

یوسف^(ع) دارای دو ویژگی بسیار مهم و حیاتی مسؤولان بود:

۱. حفیظ؛ حفاظت و نگه‌بانی خزانه‌ها و انبارها برای جلوگیری از ریخت‌وپاش‌های اقتصادی، آن‌هم در روزگار خشک‌سالی که زنده‌گی مردم را تهدید می‌کرد، امر حیاتی و مهم است؛
۲. علیم؛ علم و دانایی در زمینه‌یی که مسؤولیتی را عهده‌دار می‌شود و به تعبیر امروزی تخصص در کار، یکی از امور لازم برای مدیران و کارگذاران است.

برخی نویسندگان در ذیل این آیه شریفه چنین سؤالی را مطرح می‌کنند که: تخصص لازم است یا تعهد؟ در جواب می‌نویسند: هم تخصص و هم تعهد؛ زیرا نه تخصص تنها کافی است، که حکومت‌های فعلی دنیا دارای متخصصان ذیده هستند، غالباً در حین کار و یا بعد از برکناری از کار برای پاسخ‌گویی به جنایات خود پای محاکمه فراخوانده می‌شوند. نه تعهد و تدین تنها در اداره امور سیاسی و اجتماعی جامعه کارساز است. آن حضرت (یوسف علیه السلام) می‌دانست که اگر اقتصاد جامعه در دست افراد ناسالم قرار گیرد، انواع حیف و میل‌ها و تبعیض‌ها در میان خواهد بود. اگر در اختیار کاردان امین باشد، حق مردم، به‌ویژه تهی‌دستان به آنان خواهد رسید، و نبض قدرت و رمز مدیریت صحیح جامعه و اجرای عدالت، به داشتن پشتوانه اقتصادی کشور بسته‌گی دارد (بهرامپور؛ ۱۳۹۱: ۲۱).

البته روشن است که تعهد تنها هم کافی نیست؛ چراکه کارها باید به افراد کاربلد، خبره، متخصص و متعهد سپرده شود. حضرت یوسف^(ع) هم متخصص و علیم بود و هم متعهد و متدین؛ لذا در کنترل بحران قحطی پیروز شد.

در مورد علت درخواست تصدی خزانه‌داری از جانب یوسف^(ع)، بیان شده است: او خود درخواست خویش را چنین تحلیل کرد که من حفیظ و علیم هستم، چه این دو صفت از صفاتی است که متصدی آن مقامی که وی درخواستش را کرده بود لازم دارد، و بدون آن دو نمی‌تواند چنان مقامی را تصدی کند (موسوی همدانی؛ ۱۳۶۴: ۳۱۵).

۲-۳. نظارت و کنترل

نظارت و کنترل بر اعمال و رفتار کارگذاران، یکی از مسائل مهم و سرنوشت‌ساز سازمان و نظام اداری است، که بدون آن نایل‌شدن به اهداف، دشوار و در برخی موارد غیر ممکن است. البته، نظارت

و کنترل به معنی بی‌اعتمادی و ایجاد فضای عدم اطمینان در میان زیردستان نیست، بل که به این معناست که نوع آدمی همیشه نیازمند مراقبت و نظارت است، و باید کارمندان چنین احساس کنند که علاوه بر ناظر درونی، ناظر بیرونی نیز آنان را تحت نظر دارد و در قبال کارهایی که انجام می‌دهند، باید پاسخ‌گو باشند. با این بینش، سعی و تلاش می‌کنند، که از کم‌کاری و بی‌حوصله‌گی پرهیز نمایند. انسان‌ها همواره نیازمند مراقبت و کنترل اند؛ چه این‌که نفس اماره انسان را به‌سوی بدی فرامی‌خواند؛ چنان‌که قرآن کریم می‌فرماید: «وَمَا أُبَرِّئُ نَفْسِي إِنَّ النَّفْسَ لَأَمَّارَةٌ بِالسُّوءِ إِلَّا مَرَجِمٌ رَبِّي إِنَّ رَبِّي غَفُورٌ رَحِيمٌ / من هرگز خودم را تبرئه نمی‌کنم، قطعاً نفس (سرکش) بسیار به بدی‌ها امر می‌کند؛ مگر آن‌چه را پروردگارم رحم کند. پروردگارم آمرزنده و مهربان است» (یوسف: ۵۳).

باتوجه به نقش حیاتی نظارت و کنترل در پیش‌برد اهداف سازمانی، لازم است که شیوه‌های کنترل و نظارت حضرت یوسف^(ع) مورد بحث قرار گیرد تا دانسته شود که ایشان به‌عنوان یک مدیر و رهبر برگزیده الهی، از چه شیوه‌هایی برای نظارت و کنترل استفاده نموده است، که توانست بحران سهم‌گین اقتصادی مصر را مدیریت کند و مردم مصر و حتا هم‌سایه‌گانش را از خطر قحطی و گرسنه‌گی نجات دهد. از طرفی، حتا به هدف اصلی خود، که نفی شرک و بت‌پرستی و ترویج توحید و یکتاپرستی بود، نایل گردد. به نظر می‌رسد شیوه‌های نظارتی حضرت یوسف به دو صورت بوده است:

الف) نظارت مستقیم

یکی از روش‌های نظارت و کنترل، نظارت مستقیم و بدون واسطه است. در این شیوه، کارمند بدون هیچ واسطه‌یی تحت نظارت مستقیم مدیر سازمان، قرار می‌گیرد. حضرت یوسف^(ع) در مدیریت خود از این شیوه استفاده نموده است. هنگامی‌که حضرت یوسف^(ع) خواب پادشاه را تعبیر عالمانه و حکیمانه نمود، پادشاه از او تقاضا نمود که در نزد ما باش و یکی از مناصب حکومتی را قبول کن، حضرت یوسف^(ع) از میان تمام مناصب حکومتی، منصب خزانه‌داری را تقاضا نمود: «قَالَ اجْعَلْنِي عَلَى خَزَائِنِ الْأَرْضِ إِنِّي حَفِيظٌ عَلِيمٌ» (یوسف: ۵۵).

چرا حضرت یوسف^(ع) این منصب را تقاضا نمود؟ زیرا می‌دانست که بسیاری از نابسامانی‌ها و رفتاری‌های فردی و اجتماعی آن جامعه مملو از ظلم و ستم، ریشه در دارایی‌های آن دارد و هرگاه بر دارایی‌ها نظارت و کنترل داشته باشد و بازرسانی را برای این کار بگمارد، قسمت عمده نابسامانی‌های آن کشور پهناور سامان خواهد یافت. ارزاق را آن‌طور که شایسته و بایسته است، جمع‌آوری نموده برای سال‌های قحطی و گرسنه‌گی ذخیره نماید و خود با دستان خود و مستقیماً آن را در میان مردم توزیع و تقسیم کند و سهم هرکس را به اندازه استحقاقش بدهد و جلو حیف‌ومیل را

بگیرد (صفری؛ ۱۳۸۲: ۱۸۹). علامه طباطبایی ذیل آیه شریفه ۵۵ سوره یوسف^(ع) می‌فرماید: و اگر این درخواست را کرد به این منظور بود که امور مالی کشور و ارزاق را به مباشرت خود اداره کند، و ارزاق را جمع‌آوری نموده برای سال‌های بعد که لاجرم سال‌های قحطی خواهد بود و مردم دچار گرانی و گرسنه‌گی خواهند شد ذخیره نماید، و خودش با دست خود خویش آن ذخیره‌ها را در میان مردم تقسیم کند، و به هر یک آن مقداری را که استحقاق دارد بدهد، و از حیف و میل جلوگیری نماید (موسوی همدانی؛ ۱۳۶۴: ۳۱۵).

از مباحث فوق استفاده می‌شود که حضرت یوسف^(ع) در نحوه کشت، برداشت، ذخیره‌سازی غلات و آذوقه‌ها و چه‌گونه‌گی تقسیم و توزیع آن‌ها از روش کنترل و نظارت مستقیم استفاده می‌کرده است. ایشان، در اجرای برنامه‌های خود، برای جلوگیری و کنترل بحران قحطی و خشک‌سالی، بر تمام فعالیت‌های مهم و اثرگذار، کنترل و نظارت داشته است تا بتواند در مواقع خطر انحرافی جلو آن را بگیرد.

ب) نظارت غیر مستقیم

شیوه دیگری که حضرت یوسف^(ع) از آن استفاده نموده است، شیوه نظارت غیر مستقیم است. در این شیوه، کارمند با واسطه تحت نظارت و کنترل مدیر سازمان است. در این شیوه، مدیر سازمان، افرادی را که مورد اطمینان و اعتمادش هستند گزینش نموده، مسئولیت نظارت را به عهده آنان می‌گذارد، تا کارها را به او گزارش دهند (پیروز؛ ۱۳۸۴: ۲۸۶).

یکی از آیاتی که نسبت به کنترل و نظارت غیر مستقیم حضرت یوسف^(ع) اشاره دارد، آیه هفتاد و سه سوره مبارکه یوسف^(ع) است: «قَالُوا تَاللّٰهِ لَقَدْ عَلِمْتُمْ مَا جِئْتُمْ لِنَفْسٍ فِي الْاَرْضِ وَمَا كُنَّا سَارِقِينَ» (یوسف: ۷۳). هنگامی که برادران یوسف^(ع) به جرم سرقت جام پادشاه دستگیر شدند، در دفاع از خویش گفتند: به خدا سوگند، یقیناً می‌دانید که ما نیامده‌ایم تا در این سرزمین فساد کنیم و ما دزد نبوده‌ایم.

در مورد این که حضرت یوسف از کجا می‌دانست که برادرانش برای سرقت و فساد نیامده بودند؛ بلکه صرفاً برای دریافت غله و آذوقه آمده بودند، آمده است: «یوسف صدیق برای آن که امر خرید و فروش غله تحت حساب و نظم روشن و دقیق قرار گیرد، تا تاجران سودجو از موقعیت سوءاستفاده نکنند و یا مأموران در طرز تقسیم و فروش، عادلانه رفتار کنند، دستور داده بود برنامه دقیقی در خرید و فروش غله انجام گیرد و نام تمام خریداران و دریافت‌کننده‌گان غله روزانه، در دفتر، ثبت و ضبط گردد و در پایان هرروز آن دفتر را به نظر وی برسانند، به‌خصوص درباره کسانی که از خارج مصر می‌آمدند، کنترل و نظارت دقیق بیش‌تر می‌شد، تا مبادا تاجران در آن شهرها و

کشورهای هم‌جوار بخواهند از روی دشمنی و عداوت یا برای سود و تجارت غله‌های مصر را به شهر و کشورهای دیگر منتقل کنند، از این‌رو دستور داده بود، که از کسانی که از خارج مصر می‌آیند تحقیق بیش‌تری شود» (رسولی محلاتی؛ ۱۳۸۱: ۳۳۵).

هاشمی رفسنجانی در این مورد می‌نویسد: دستگاه حکومتی یوسف (ع) درباره کاروان‌هایی که به مصر وارد می‌شدند، تفحص می‌کرد تا به فسادگر و سارق نبودن ایشان اطمینان پیدا کند (هاشمی رفسنجانی؛ ۱۳۸۷: ۵۰۳).

حضرت یوسف (ع) چه در بخش جمع‌آوری و ذخیره‌سازی غلات و چه در بخش تقسیم و توزیع آن از شیوه کنترل و نظارت غیر مستقیم استفاده کرده است؛ چراکه نظارت و کنترل مستقیم بر تمام بخش‌ها و برنامه‌های اداری کشور، برای یک مدیر هرچند پرتلاش و کوشا هم باشد، ممکن نیست؛ پس ناچار است که در برخی موارد از روش کنترل غیر مستقیم استفاده نماید.

طبقه‌بندی داده‌ها

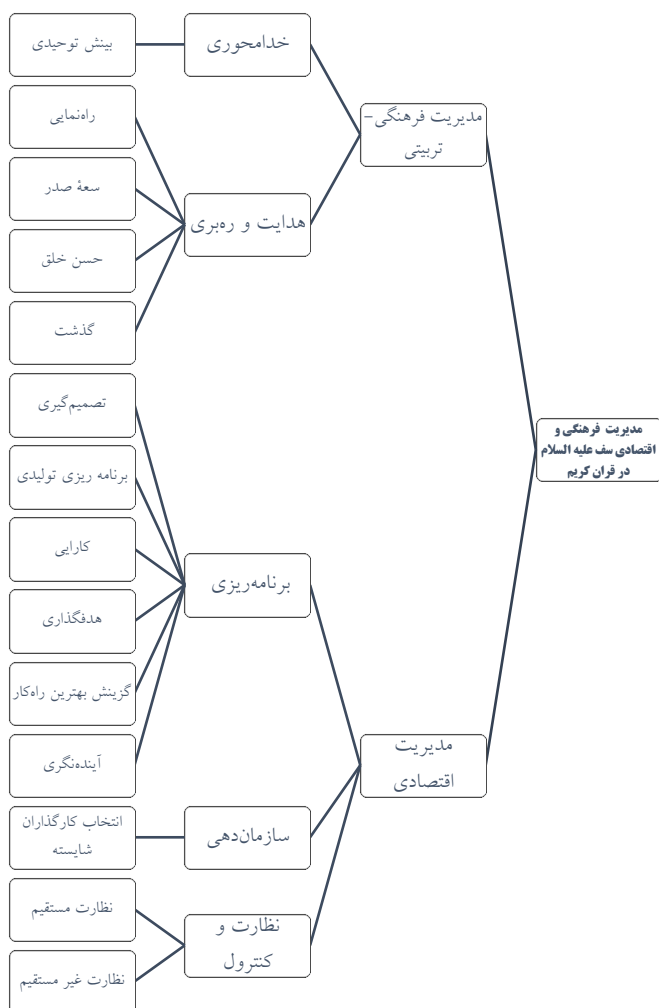
داده‌ها و کدبندی‌های فوق در قالب جدول زیر تلخیص و طبقه‌بندی شده است.

مراحل ابعاد	کد گذاری انتخابی کد گذاری محوری	کد گذاری باز	داده‌ها	
مدیریت فرهنگی - تربیتی	۱. خدا محوری	الف. بینش توحیدی	یا صاحِبِ السَّجَنِ أَرْبَابُ مُتَفَرِّقُونَ خَيْرًا إِنَّ اللَّهَ الْوَاحِدُ الْقَهَّارُ (یوسف/۳۹).	
	۲. هدایت و رهبری	الف. راه‌نمایی	قَالَ تَزْرَعُونَ سَبْعَ سِنِينَ دَأَبًا فَمَا حَصَدْتُمْ فَذَرُوهُ فِي سُنْبُلِهِ إِلَّا قَلِيلًا مِّمَّا تَأْكُلُونَ ثُمَّ يَأْتِي مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ سَبْعٌ شِدَادٌ يَأْكُلْنَ مَا قَدَّمْتُمْ لَهُنَّ إِلَّا قَلِيلًا مِّمَّا تَحْصِلُونَ ثُمَّ يَأْتِي مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ عَامٌ فِيهِ يُغَاثُ النَّاسُ وَفِيهِ يَعْصِرُونَ (یوسف/۴۹-۴۷).	
		ب. سعه صدر	الف. راهنمایی	قَالَ لَا تَتْرِبَ عَلَيْكُمُ الْيَوْمَ يَعْرِفُ اللَّهُ لَكُمْ وَهُوَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ (یوسف/۹۲).
			ج. حسن خلق	ب. سعه صدر
د. گذشت			«قَالَ رَبُّ السَّجَنِ أَحَبُّ إِلَيَّ مِمَّا تَدْعُونَنِي إِلَيْهِ» (یوسف/۳۳).	
			«إِنَّا نَرَاكَ مِنَ الْمُحْسِنِينَ» ما تو را از نیکوکاران می بینیم (یوسف/۳۶ و ۷۸).	
			قَالُوا إِن يَسْرِقْ فَقَدْ سَرَقَ أَخٌ لَهُ مِنْ قَبْلُ فَأَسْرَهَا يُوسُفُ فَ نَفْسِهِ وَ لَمْ يُبْدِهَا لَهُمْ قَالَ أَنْتُمْ شَرُّ مَكَانٍ وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا	

تَصِفُونَ (یوسف/۷۷). قَالَ لَأَتَتَرِيْبَ عَلَيْكُمُ الْيَوْمَ يَغْفِرُ اللَّهُ لَكُمْ وَ هُوَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ (یوسف/۹۲).			
تَزْرَعُونَ سَبْعَ سِنِينَ... (یوسف/۴۹ – ۴۷).	الف) تصمیم گیری در شرایط عدم اطمینان	۱. برنامه ریزی مدیریت اقتصادی	
تَزْرَعُونَ سَبْعَ سِنِينَ دَابًّا (یوسف/۴۷) فَمَا حَصَدْتُمْ فَذَرُوهُ فِي سُنْبُلِهِ إِلَّا قَلِيلًا مِّمَّا تَأْكُلُونَ (یوسف/۴۸).	ب) برنامه ریزی تولیدی		
فَذَرُوهُ فِي سُنْبُلِهِ إِلَّا قَلِيلًا مِّمَّا تَأْكُلُونَ (یوسف/۴۸). ثُمَّ يَأْتِي مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ عَامٌ فِيهِ يُغَاتُّ النَّاسُ وَ فِيهِ يَعَصِرُونَ (یوسف/۴۹).	ج) کارایی		
فَذَرُوهُ فِي سُنْبُلِهِ إِلَّا قَلِيلًا مِّمَّا تَأْكُلُونَ (یوسف/۴۸).	د) هدف گذاری		
قَالَ تَزْرَعُونَ سَبْعَ سِنِينَ دَابًّا فَمَا حَصَدْتُمْ فَذَرُوهُ فِي سُنْبُلِهِ إِلَّا قَلِيلًا مِّمَّا تَأْكُلُونَ (یوسف/۴۷).	ه) گزینش به ترین راه کار		
ثُمَّ يَأْتِي مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ سَبْعُ شِدَادٍ يَأْكُلْنَ مَا قَدَّمْتُمْ لَهُنَّ إِلَّا قَلِيلًا مِّمَّا تُحْصِيُونَ (یوسف/۴۸).	و) آینده نگری		
قَالَ اجْعَلْنِي عَلَى خَزَائِنِ الْأَرْضِ إِنِّي خَفِيفٌ غَلِيمٌ» (یوسف/۵۵).	انتخاب کارگزاران شایسته	۲. سازمان دهی	۳. نظارت و کنترول
قَالَ اجْعَلْنِي عَلَى خَزَائِنِ الْأَرْضِ إِنِّي خَفِيفٌ غَلِيمٌ» (یوسف/۵۵).	الف نظارت مستقیم		
قَالُوا تَاللَّهِ لَقَدْ عَلِمْتُمْ مَا جِئْنَا لِنُفْسِدَ فِي قَالُوا تَاللَّهِ لَقَدْ عَلِمْتُمْ مَا جِئْنَا لِنُفْسِدَ فِي الْأَرْضِ وَ مَا كُنَّا سَارِقِينَ (یوسف/۷۳).	ب نظارت غیر مستقیم		

پاسخ پرسش تحقیق

با در نظر داشت مطالب فوق، به جواب پرسش تحقیق دست می یابیم، که مدیریت حضرت یوسف^(ع) در قرآن دارای ابعاد مختلف است و دو بُعد فرهنگی- تربیتی و اقتصادی آن، در نمودار زیر ارائه گردیده است.



نتیجه‌گیری

با درنظرداشت مطالب مطرح‌شده در این مقاله، با نظر به آیات مختلف قرآن کریم و با توجه به جدول فوق، می‌توان نتیجه‌گیری نمود که:

مدیریت فرهنگی - تربیتی حضرت یوسف (ع)، فرهنگ‌سازی و تربیت کارگزاران و مردم براساس بینش خدامحوری، اخلاق‌مداری، سعه صدر، گذشت و مدارا بوده است. مدیریت اقتصادی حضرت یوسف (ع) از طریق برنامه‌ریزی دقیق، سازمان‌دهی و کنترل مستقیم و غیر مستقیم بوده است.

سرچشمه‌ها

۱. قرآن کریم.
۲. آمدی، عبدالواحد. (۱۳۷۹). **غررالحکم فی دررالکلم**، ترجمه سید هاشم رسولی محلاتی. چاپ سوم. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۳. بهرامپور، ابوالفضل. (۱۳۹۱). **نسیم حیات**. چاپ هفتم. قم: آوای قرآن.
۴. پیروز، علی آقا، و هم‌کاران. (۱۳۸۴). **مدیریت در اسلام**. زیر نظر مهدی الوانی. قم: پژوهش‌گاه حوزه و دانش‌گاه.
۵. تیری خطیر، معصومه. (۱۳۹۲). «**شیوه‌های مدیریت حضرت یوسف علیه السلام از منظر قرآن کریم**». پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته الهیات. قم: دانش‌گاه قم.
۶. جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۹۰). **تفسیر موضوعی قرآن کریم**. چاپ دهم. قم: مرکز نشر اسراء.
۷. دشتی، محمد. (۱۳۸۷). **ترجمه نهج البلاغه**. قم: سادات رضوی.
۸. رسولی محلاتی، سید هاشم. (۱۳۸۱). **قصص قرآن یا تاریخ انبیاء**. چاپ پانزدهم. قم: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۹. سلیمانی، زهرا، منتظر قائم. (۱۳۹۳). «**تمدن‌سازی انبیای الهی؛ مدیریت اقتصادی و عدالت اجتماعی با تأکید بر حکومت حضرت یوسف**». قم: فصل‌نامه معرفت ادیان. سال پنجم. شماره هجدهم.
۱۰. سیدی ساروی، حسین. (۱۳۸۶). **زیباترین داستان**. تهران: کانون اندیشه جوان.
۱۱. صفری، علی آقا. (۱۳۸۲). «**شیوه‌های مدیریت حضرت یوسف در قرآن کریم**». پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته قرآن و مدیریت. قم: جامعة المصطفی العالمیه.
۱۲. طباطبایی، محمدحسین. (۱۴۱۷). **المیزان فی تفسیر القرآن**. بیروت: مؤسسة الاعلمی.
۱۳. طریحی، فخرالدین. (۱۳۷۵). **مجمع البحرین**. تهران: کتاب‌فروشی رضوی.
۱۴. قرائتی، محسن. (۱۳۸۴). **تفسیر نور**. چاپ سیزدهم. تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.
۱۵. قرطبی، محمد بن احمد. (۱۳۸۲ق). **الجامع لاحکام القرآن (تفسیر القرطبی)**. بیروت: دارالکتاب العربی.
۱۶. مجلسی، محمدباقر. (۱۴۰۳ق). **بحار الانوار**. چاپ سوم. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۱۷. مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۶۸). **تفسیر نمونه**. چاپ هفتم. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۱۸. منطقی، محسن. (۱۳۹۰). «**اسلام و پژوهش‌های مدیریت**». قم: فصل‌نامه علمی تخصص. سال اول. شماره اول.
۱۹. موسوی همدانی، سید محمد باقر. (۱۳۶۴). **ترجمه المیزان**. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۲۰. موسوی، زهرا سادات، میرآفتاب، سید علی. (۱۳۹۹). «**اصول مدیریت فرهنگی با تکیه بر سیره مدیریتی یوسف از منظر آیات قرآن کریم**». قم: مجله پژوهش و مطالعات اسلامی. سال دوم. شماره نهم.
۲۱. هاشمی رفسنجانی، اکبر و هم‌کاران. (۱۳۸۷). **تفسیر راه‌نما**. قم: مرکز فرهنگ و معارف قرآن.